

Original Article

Medical jurisprudential analysis of the reasons for drinking alcohol forbidden

Abdollah Bahmanpouri^{1*}, Najmeh Nazari²

1. Assistant Professor in the Department of Islamic Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Yasouj University, Yasouj, Iran. (Corresponding Author) Email: Bahmanpouri10@gmail.com

2. M.A. Student of Islamic Jurisprudence and Principles of Law, Yasouj University, Yasouj, Iran.

Received: 27 May 2018 Accepted: 17 Sep 2018

Abstract

Maintaining the health of human body and soul has always been the subject of the Islamic law. One of the issues that directly affects physical and mental health is forbidden to drink alcohol. The hypothesis of this research is based on the fact that mainly religious sanctities for eating, drinking, wearing and other items have a scientific wisdom, including the wisdom of medicine, which various sciences, including medicine, have achieved or will achieve in the future.

The present study uses a descriptive-analytical method, and by examining the verses and narrations of forbidden drinking alcohol on the one hand and its adaptation to medical findings, on the other hand, it seeks to present a theory of dependency between religious sanctities and medical precautions.

As a result, one example of this dependencies is the dependency between alcohol drinking and its destructive and harmful effects which is confirmed by medical science.

The study of the wisdom and scientific reasons of forbidding drinking alcohol and the effects of alcohol drinkers on verses and narrations, and its adoption and confirmation by the findings of medical science, leads to this fact which is in fact a kind of scientific miracle of the Quran and Islam. Alcohol drinking has harmful effects, such as the emergence of kidney, cardiovascular, digestive and psychological harmful effects such as harassment, indifference, mental and physical deficiencies, and many other fatal incidents in humans, although some believe that alcohol drinking is beneficial and argues in verse 219 of the Baqara chapter in which it is spoken of in the interests of alcohol.

Keywords: Alcoholic; Wine Drinking; Jurisprudence; Medical

Please cite this article as: Bahmanpouri A, Nazari N. Medical jurisprudential analysis of the reasons for drinking alcohol forbidden. *Feghh Journal* 2018; 10(34-35): 47-63.

تحلیل فقهی پزشکی علل حرمت شرب خمر

عبداله بهمن پوری^{۱*}؛ نجمه نظری^۲

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Bahmanpouri10@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۶ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۲۶

چکیده

حفظ سلامت جسم و روح انسان همواره مورد توجه شریعت اسلام بوده است، یکی از مواردی که با سلامت جسمی و سلامت عقلی انسان ارتباط مستقیم دارد، حکم به حرمت شرب خمر است. فرضیه ی این پژوهش بر این مطلب استوار است که عمدتاً حرمت‌های شرعی در خصوص مأكولات، مشروبات، ملبوسات و سایر موارد، دارای حکمت‌های علمی از جمله حکمت‌های پزشکی می‌باشد که علوم مختلف از جمله پزشکی به آن دست یافته و یا در آینده به آن نائل می‌شود.

پژوهش پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی آیات و روایات حرمت شرب خمر از یک طرف و تطبیق آن بر یافته‌های پزشکی از طرف دیگر درصدد ارائه تئوری تلازم میان حرمت‌های شرعی و منع‌های پزشکی است.

از جمله یافته‌ها این که یکی از مصادیق این تلازم، تلازم میان شرب خمر و آثار مخرب و مضر آن است که علم پزشکی نیز مؤید حرمت خمر و آثار مخرب آن است.

مطالعه حکمت‌ها و اسرار علمی حرمت شراب و آثار شراب‌خواری در آیات و روایات و تطبیق و تأیید آن توسط یافته‌های علم پزشکی، به این مهم رهنمون می‌سازد که این موضوع در واقع به نوعی یک معجزه علمی قرآن و اسلام است. شراب‌خواری دارای آثار مخرب و زیان‌بار جسمانی، مانند پیدایش مشکلات کلیوی، قلبی - عروقی، گوارشی و آثار مخرب روحی و روانی، مانند کینه‌توزی، بداخلاقی، کمبودهای روحی و روانی و بسیاری از حوادث شوم نفسی دیگر در انسان‌ها می‌شود، هرچند که برخی معتقدند شرب خمر دارای فوایدی می‌باشد و به آیه ۲۱۹ سوره بقره - که در آن از منافع شراب سخن گفته شده - استدلال می‌کنند.

واژگان کلیدی: خمر؛ شرب خمر؛ فقه؛ پزشکی

مقدمه

قرآن کریم از ابعاد مختلفی دارای اعجاز می‌باشد، از آن جمله، حرام دانستن شراب و میگساری است که در چند آیه درباره این موضوع بحث شده است. امروزه با پیشرفت علم، بعضی از ضررهای جسمی و روحی آن مشخص شده و حکمت حرمت آن پدیدار گردیده است (۱). با ورود شراب به زندگی مردمان، درهای شر و ناپاکی، یکی پس از دیگری به روی ایشان باز گردید و این دستاورد شیطانی همه‌ساله جان تعدادی از انسان‌ها را گرفته و حاصلی جز نابودی، شر، فتنه، فساد و گمراهی بشر ندارد. از سوی دیگر، چون فلسفه ارسال رسل و انزال کتب، راهنمایی بشر به سوی خوشبختی با پرهیز از بدی‌ها بوده است، در شرع مقدس حدود اخلاقی همه چیزها از جمله خوردن و آشامیدن (چه در زمینه کمیت و چه در خصوص کیفیت آن) مشخص گردیده است. گاه منشأ ارزش منفی اخلاق فرد به نوع خاصی از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، یا به نوعی تزاحم - که ممکن است سلامتی جسم یا روان را تهدید کند - مربوط می‌شود. این پاکی و ناپاکی اشیا خود می‌تواند منشأ بروز رفتاری خاص در آدمی گردد (۲). جابر بن حیان اولین کسی است که در حدود سال ۸۰۰ میلادی به وجود ماده‌ای در «خمر» پی برد که مذاق آن گرم و سریع‌التبخیر است و ذهن و بصیرت را از انسان دور می‌کند. وی مقدار کمی از آن را به دست آورد و آن را «غول» نامید و بعدها آن را الکل نامیدند (۳). امروزه مشخص شده است که مصرف مشروبات الکلی در مقادیر جزئی می‌تواند قدرت تشخیص و قضاوت درست را از انسان سلب کرده و او را از داشتن عقل و شعور، موقتاً محروم سازد. همچنین مقادیر بیشتر آن، آسیب‌های فراوانی از افسردگی و اختلالات روانی گرفته تا اضطراب و اختلال شخصیت و حتی خودکشی را سبب می‌شود و در نتیجه می‌تواند حتی سبب مرگ و محرومیت از نعمت حیات در انسان شود (۴). از سوی دیگر، مصرف مشروبات الکلی زیان‌های اجتماعی، اقتصادی، روانی، فکری و اثرات زیان‌باری را بر سیستم مرکزی و محیطی انسان به ارمغان می‌آورد. سیستم قلبی عروقی، کبد، استخوان، اعصاب، و سیستم گوارشی از جمله بافت‌های بدن هستند که

در اثر مصرف مشروبات الکلی متحمل خسارت و زیان‌های شدید غیر قابل برگشت می‌گردند. اثرات سوء الکل بر جنین در رحم مادر و ایجاد سرطان در بافت‌های مختلف، از دیگر آثار مخرب مصرف این ماده است که نهایتاً منجر به مرگ می‌گردد (۴).

خمر

۱- معنای لغوی خمر

«خمر» در لغت، به معنای شراب انگور است (۶-۵). هر مایع مست‌کننده را خمر گویند (۸-۷). خمر به معنای پوشاندن چیزی است. هر چیزی که با آن یا به وسیله آن پوشانده شود، «خمار» گفته می‌شود (۹-۸).

۲- معنای اصطلاحی خمر

«خمر» در اصطلاح شرع، به معنای شراب انگور است (۱۲-۱۰). برخی دیگر از فقها هر مسکری را خمر می‌دانند و خمر را به معنای عام تعریف کرده‌اند تا همه مسکرات را شامل شود (۱۷-۱۳). همچنین خمر عبارت است از هر مایعی که در اثر تخمیر (ورآمدن)، خاصیت سکر و مستی به خود گرفته باشد و خوردنش عقل را تیره و بیهوده کند (۱۸).

پژوهش پیش رو با بیان فلسفه احکام و آیات و روایات دال بر حرمت شرب خمر در پی پاسخ به این سؤال است که چرا شرب خمر در اسلام حرام گردیده است و چه عوارضی از دید فقهی پزشکی و اجتماعی، در شرب خمر وجود دارد؟ برای نیل به این پاسخ ابتدا فلسفه احکام بیان می‌گردد، سپس آیات و روایات و دیدگاه‌های فقهی به دقت بررسی می‌گردند.

فلسفه احکام با توجه به مصالح و مفسدات آن

احکام اسلام علاوه بر این که تعبدی‌اند، اما نوعی استدلال عقلایی نیز در آن‌ها نهفته می‌باشد، به همین دلیل است که پذیرش چنین احکامی را تعبدی تعقلی نام نهاده‌اند، زیرا این تعبد، ریشه در عقلانیت ما دارد. مؤمنان معتقدند که خداوند متعال، حکیم است و آنچه از احکام دین تشریع نموده است از روی حکمت صادر شده است و حتماً فلسفه و اسراری در آن‌ها نهفته است که بیشتر آن‌ها را نمی‌دانیم. می‌توان گفت که یکی

از نشانه‌های خلوص بندگی این است که با وجود ندانستن حکمت آن‌ها، سر به تسلیم فرامین الهی نهیم، البته با پیشرفت علم بشر، به تدریج حقانیت دین اسلام بر عموم مردم، به ویژه دانشمندانی که در این مسائل به تحقیق و تفحص می‌پردازند، واضح می‌گردد و حجت نیز بر همگان به اتمام می‌رسد.

دکتر وهبه الزحیلی - از دانشمندان معاصر اهل سنت - می‌نویسد: در موارد زیادی پیامبر (ص) احکام را توأم با بیان علل و فلسفه آن‌ها که مربوط به مصالح دینی و دنیوی بوده، بیان کرده است. در این باره امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: هیچ حکمی بدون علت وضع نشده است. در حدیثی از امام رضا (ع) نیز می‌خوانیم: تمام چیزهایی را که خداوند مباح کرده است، به خاطر مصلحت و منفعت بوده و هر چه را که حرام کرده است، به خاطر مفسده و مضرات و خطرات آن بوده است (۱۹).

فلسفه و حکمت‌های احکام به چهار قسم تقسیم می‌شوند: - حکمت‌ها و فلسفه‌های احکامی که از همان آغاز بعثت پیامبر اکرم (ص)، بر همگان آشکار بوده و به اصطلاح، جزء ضروریات و بدیهیات بوده است و هر کس به اندازه فکر و اندیشه و معلومات خود چیزی از آن را درک می‌نمود، مانند فلسفه احترام به والدین. بر این اساس است که به جهت ادراک عقل نسبت به فلسفه بسیاری از احکام، از عقل به «حجت باطنیه» تعبیر شده است.

- فلسفه‌هایی که بر توده مردم روشن نبوده، ولی در آیات قرآن یا احادیث پیشوایان دین، اشاراتی به آن‌ها شده است، مانند فلسفه روزه ماه رمضان، حتی گاهی برخی دانشمندان از فلسفه سه گانه: اخلاقی، اجتماعی و بهداشتی آن بی‌خبر بوده‌اند، ولی توسط شارع مقدس پرده از آن برداشته شده است.

- احکامی که با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و آگاهی بشری، پرده از روی فلسفه و اسرار آن‌ها برداشته می‌شود و این خود یکی از سندهای زنده بر حقانیت و عظمت احکام اسلامی و پیام‌های آسمانی است، مثلاً آثار زبان‌بار جسمی و روحی و اجتماعی مشروبات الکلی و حتی اثر گذاردن آن روی «ژن‌ها»، که امروزه از زبان متخصصان

می‌شنویم و آمار آن‌ها را از مجلات و رسانه‌های اطلاع‌رسانی شنیده و می‌خوانیم و یا مرگ و میرهای ناشی از آن، همه و همه از این قبیل می‌باشند که گذشت زمان، و بالارفتن سطح فکر و دانش بشر، پرده از روی آن برداشته است.

- فلسفه‌هایی که نه از آغاز روشن بوده، و نه به مرور زمان روشن شده و نه در لا به لای متون اسلامی به آن اشاره شده است، مانند فلسفه تعداد رکعات نمازها. احکام همه این اقسام، از علم نامحدود پروردگار سرچشمه گرفته‌اند و عبودیت و اطاعت خالص اقتضا دارد که در مقابل این قسم نیز تعبد محض داشته باشیم، زیرا خداوند مردم را با اطاعت و بندگی خود با قوانین عقلانی و فوق عقل، امتحان و آزمایش می‌کند تا حجت بر مردم تمام شود و شبهه‌ها زدوده گردد (۱۹).

در بیان حکمت حرام‌شدن خمر باید گفت که در آن پلیدی و ناپاکی است و از کردار شیطان است و چون چنین است در زیر عنوان «طبیات و پاکیزه‌ها» در نمی‌آید. پاکیزه‌های زندگی تنها چیزهایی است که روا و حلال است. قرآن در بیان حکمت حرام‌شدن این نکته را می‌افزاید که این چیزها اسباب کار شیطان است که با شراب می‌خواهد در میان مسلمانان آتش دشمنی و کینه را برافروزد و آنان را از یاد خدا و از نماز بازدارد (۲۰). شیطان، صفات خود را به واسطه شراب به انسان تزریق، و او را دچار بدترین نوع برخورد ضد اجتماعی می‌کند. برای نمونه، فردی که مست می‌باشد به دلیل آنکه دستگاه اعصاب مرکزی‌اش تضعیف‌شده از تعادل فکری و روحی لازم برخوردار نیست؛ به همین جهت سخنان لغو و ناپسند فراوان می‌گوید و باعث رنجش و احیاناً درگیری و تنش با دوستان یا کسانی که به نوعی با وی در ارتباطند، می‌گردد (۲۱).

شراب و خمر از آن جهت که سبب از دست‌رفتن عقل شده و شهوت و هوس آدمی را تحریک می‌کند، باعث می‌شود که شخص شراب‌خوار، اعتدال خود را از کف بدهد و شراب‌خواران به دست و زبان با یکدیگر درشتی کنند و با هم دشمن شوند و اگر احیاناً احساسات پاره‌ای از مردم با نوشیدن شراب لطیف‌تر شود، این تصادفی است که در برابر حال اکثریت، اعتمادی به آن نشاید، اما این که شراب آدمی را از ذکر خدا و نماز باز می‌دارد، چیزی است که کسی نمی‌تواند در

آن شک کند، شراب آدمی را به فراموشی می‌اندازد. نظر به این‌که میگساری، سبب اختلال نظام است و صحنه‌ای است که نیرنگ‌های شیطانی را نشان می‌دهد و شراب‌خوار را مثالی از شیطان، بلکه ابلیس معرفی می‌نماید، بدین جهت خردمند از آن بر حذر بوده و بر کنار خواهد رفت، زیرا نوشیدن آن عقل را می‌برد و آن را می‌پوشاند و عقل است که ادراک قواعد شرع و عرف را می‌کند و آن قواعد ما را از شرور بازمی‌دارد و جلوگیری ما از وقوع در شر است و چون عقل، ضایع و مستور شد شهوات آدمی بروز می‌کند و طبیعت حیوانی به هر کار پستی آدمی را وامی‌دارد و کثیف‌ترین اعمال از او ناشی می‌گردد. این عمل زشت باعث می‌شود صحت و سلامت شخص را به خطر اندازد و در غرقاب رذائل سرنگون شود، موضوعی است که هیچ عاقلی منکر آن نخواهد شد، لذا محتاج به نص هم نخواهد بود، اما خطر دینی شرب خمر، بسی واضح است که مانع از یاد خدا می‌شود و یاد خدا که موجب جلا و تزکیه قلوب است و سبب تطهیر و هدایت نفوس می‌باشد، برای شارب خمر فراهم نیست و نمازی را که ستون دین است مانع می‌شود، زیرا شخص مست را نه عقلی است و نه قلبی، لذا چگونه ممکن است به راه خیر برود و به نماز برخیزد (۲۰).

حکمت حرمت شرب خمر ثبوتاً به مواردی که موجب بی‌خانمان‌شدن افراد یا مستی آن‌ها بشود، اختصاص ندارد، بلکه حکم برای مطلق استعمال شرب خمر است، ولو به قدری کم باشد که موجب آن دو امر نشود و همانا ذکر این دو قید به خاطر اشاره به حکمت جعل حکم است، یعنی استعمال، به آن جهت حرام شده که موجب ویرانی بنیان خانواده می‌گردد (۲۲). میزان حسن هر عمل و یا قبح آن و همچنین میزان طاعت و صدق جنایت، به لحاظ آثاری است که در روان انسانی از انقیاد و یا تمرد و نیز در خارج از صلاح و یا فساد به جا می‌گذارد؛ در واقع شراب‌خواری مبارزه با دستگاه توحید است که خود ریشه هر رذیله خلقی و فساد اجتماعی است. در دیانت‌های آسمانی نیز از شرب خمر منع اکید شده و رفتاری شرک‌آمیز نامیده شده است، لذا شعار خداپرستی بر اجتناب از آن استوار است (۲۰).

اطاعت اوامر الهی هرچند با آگاهی از فلسفه‌هایش جاذبه بیشتری دارد، ولی هرگز مقید به آن نیست. ما باید اوامر او را به کار بندیم و از نواهی او بپرهیزیم؛ خواه فلسفه حکم را بدانیم یا ندانیم، چراکه اگر از فلسفه تفصیلی آن بی‌خبریم، فلسفه اجمالی آن را می‌دانیم، زیرا خداوند حکیم نه بی‌جهت به چیزی امر می‌کند و نه بدون علت از چیزی نهی می‌کند. با این حال، ما حق داریم تا آنجا که در توان ماست در جستجوی فلسفه احکام شرع از طریق دلایل قطعی عقل و آیات و روایات اسلامی باشیم و از آن پرسش کنیم و جوابی پاسخ آن گردیم، چراکه این امر هم انگیزه‌های طاعت را قوی‌تر می‌کند و هم آیین خدا را عقلانی و به صورت منطقی جلوه‌گر می‌سازد، ولی اگر بعد از تلاش و کوشش در موارد خاص به فلسفه حکم نرسیدیم باز آن حکم، برای ما محترم و واجب‌الاطاعه است و در هر حال انگیزه اصلی، اطاعت فرمان خداوند حکیم است (۲۲).

حکمت و اسرار علمی حرمت شرب خمر

ابتدا به بررسی حکمت و علل حرمت شرب خمر در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) خواهیم پرداخت.

۱- علل حرمت شرب خمر از دیدگاه قرآن

در دین اسلام، مسلمانان قبل از اعلام حرمت شراب، دست به نوشیدن شراب می‌زدند و از آشامیدن آن ابایی نداشتند تا این‌که پیامبر اکرم (ص) به آرامی و به تدریج، با توجه به علاقه شدید مردم نسبت به شراب و میگساری، آیات شراب را که به ترتیب به تفسیر آن خواهیم پرداخت، به مردم ابلاغ فرمودند تا زمینه ترک آن فراهم شود.

حکم تحریم شراب، در علم الهی مقدر و مقرر بوده است، لذا بنای دین بر تسهیل و تدریج می‌باشد و رعایت اوضاع و احوال و ظروف و مقتضیات به طور دقیق و کامل، در مقام صدور و ابلاغ، منظور می‌گردد (۲۳). در قرآن کریم در سوره نحل آیه ۶۷، طی چهار مرحله به صورت گام به گام با شراب‌خواری برخورد شده است که اثرات تربیتی ارزشمندی در جامعه جاهلی گذارد و تغییر و تحول عمیقی در جامعه ایجاد کرد. در مرحله اول، اشاره به نامطلوب‌بودن شراب دارد؛

در مرحله دوم، در سوره بقره آیه ۲۱۹، به صورت منصفانه به منافع و مضرات آن اشاره نموده و می‌فرماید: اما ضررهای آن زیاده‌تر است؛ در مرحله سوم در سوره نساء آیه ۴۳، از شراب‌خواری هنگام نماز خواندن نهی می‌کند و این امر در واقع، نوعی مبارزه با شراب‌خواری است؛ در آخرین مرحله، در سوره مائده آیه ۹۰، حکم تحریم شراب را مطرح نموده و در عین حال به مضرات آن نیز اشاره نموده است که عبارتند از رجس و پلیدی و عمل شیطان و دوری از یاد خدا و نماز و ایجاد دشمنی ... که نوعی نهی آگاهانه است (۲۴).

۱-۱- آیه ۶۷ سوره نحل: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَنَجَّدُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا؛ و از میوه‌های درختان خرما و انگور، مسکرات (ناپاک) و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرند.»

اصل کلمه «سکر» به معنای سد مجرای آب است و مستی را سکر گویند، چون راه معرفت را می‌بندد (۲۵). برخی از مفسران، کلمه «سکر» را در این آیه به معنای مسکرات گرفته‌اند (۲۶). برخی دیگر از مفسران آن را به معنای شیرۀ خرما و شیرۀ انگور گرفته‌اند (۲۷). ثمرات نخل‌ها و تاک‌ها چیزهایی هستند که شما از آن‌ها مسکرات به دست می‌آورید که از نظر شرع حرام است و رزق حسن، یعنی سرکه، مویز، رب، رطب و خرما که حلال است؛ این معنا از ابن مسعود و دیگران نقل شده است. حاکم در صحیح خود روایت کرده است که: از ابن عباس درباره این آیه سؤال کردند، پاسخ داد سکر فایده حرامی است که از خرما و انگور برده می‌شود و رزق حسن، فایده‌های حلال. برخی خواسته‌اند از این آیه استفاده کنند که شراب انگور و خرما حلال است، اما به خطا رفته‌اند، زیرا خداوند متعال فقط کارهای مردم را بیان می‌کند و استفاده‌هایی را که از خرما و انگور می‌گیرند، می‌شمارد (۲۵)، این آیه نمی‌خواهد بفرماید مسکرات، حلال و مباح است و حتی نمی‌خواهد بگوید کار خوبی می‌کنید که از میوه‌های مذکور مسکر می‌گیرید، بلکه ممکن است بگوییم که دلالت بر زشتی این کار دارد، چون شراب گرفتن را در مقابل اتخاذ رزق خوب قرار داده تا بفهماند که شراب، رزق حسن نیست، و این مقابله، دلالت بر نوعی عقاب و سرزنش دارد و می‌خواهد بر مردم تعریض کند که چرا از آن دو شراب مسکر می‌گیرند و

این‌که آیه را با «لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» ختم فرموده تا مردم را در تعقل و دقت در امر نباتات و میوه‌ها تحریک کند (۱۸). نظر به این‌که آیه در مقام منت‌گذاری است که محصول درخت خرما و انگور، رزق حسن است، پس محصول آنکه شراب است نیز جواز آشامیدن است و چون مقدار زیاد آن که شراب است، نیز جواز آشامیدن است و چون مقدار زیاد آن مست‌کننده و سبب زوال عقل است، اما مقدار کم آن که مست‌کننده نباشد، آشامیدن آن جایز است. در جواب باید گفت این نظر برخلاف ظاهر آیه و برخلاف حکم فطرت است و اطلاق کلمه سکر، «کم یا زیاد» آن را شامل می‌شود و این آیه، قابل نسخ و رفع نخواهد بود و آیه ۹۰ سوره مائده ناسخ آن نخواهد بود، زیرا نسخ درباره حکمی است که مصلحت موقت و یا مفسده موقت داشته باشد، ولی حکمی که براساس امتنان باشد، هرگز قابل رفع و نسخ نخواهد بود (۲۸).

۱-۲- آیه ۲۱۹ سوره بقره: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است و منافعی برای مردم دربردارند، ولی گناه آن‌ها از نفع آن‌ها بیشتر است.»

سؤال مردم در این آیه، درباره حکم خمر است و این آیه در پاسخ پرسش آن‌ها می‌فرماید: شراب‌خواری، گناه بزرگی است، گرچه ممکن است منافعی داشته باشد، چنانکه عده‌ای از راه کشت انگور یا شراب‌فروشی، ثروتی به دست می‌آورند (۲۹). گفته شده که «منافع» آن عبارتند از: هر لذت و طرب و رو به روشن شدن با جوانان است. در «خمر» همچنین تشجیع ترسناکان و توفیر مروت و تقویت طبیعت وجود دارد، لذا مفاسدی که از آن نشأت می‌گیرد، بیشتر از آن منافعی است که از آن متوقع می‌باشد. به همین جهت، خمر تحریم شده است، چون وقتی مفسده بر مصلحت پیشی گرفت و غلبه نمود، تحریم عمل را اقتضا می‌نماید (۳۰).

امام علی (ع) در ارتباط با نزول آیه «لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعُمُوا» فرموده‌اند: من از نزول این آیه خبر دارم، چون رب‌العالمین خمر را حرام کرد (۳۱)، عده‌ای از مردم - آنگاه که آیه حرمت خمر نازل گردید - می‌گفتند: چه

خواهد شد حال کسانی که در راه خدا کشته شدند و دنیا را از این رهگذر ترک گفتند، اما خمر را - که رجز و پلید بود - می نوشیدند؟ در پی چنین تردید و نگرانی بود که آیه مذکور نازل گردید مبنی بر این که - چون هنوز حکم تحریم خمر، ابلاغ نشده بود - بر کسانی که قبلاً خمر نوشیده بودند، جرمی نیست (۳۲). رفع عقوبت نیز فقط درباره گروهی از مسلمانان است که قبل از حکم حرمت، مرتکب شرب خمر بوده و نیز درباره آن‌ها که حکم حرمت را نشنیده باشند (۲۸).

زیان‌هایی که شراب نسبت به قوه عاقله و نیروی دارک دارد و تصرفاتی که در افکار و اندیشه‌های انسان می‌نماید و مجرای ادراک را چه در حال مستی و چه بعد از آن منحرف می‌کند، برای احدی قابل انکار نیست و این از بزرگ‌ترین فسادها و آثار شوم خمر است و همه مفاسد دیگر از همین جا سرچشمه می‌گیرد (۱۸). اخبار در حرمت مذمت خمر به طور متظاهر، بلکه متواتر اجمالی وارد شده است و اجماع علمای اسلام و حکم عقل نیز بر حرمت آن قائم است، زیرا «مضرّات خمر بالحسن و الوجدان» آشکارا و عیان است، چه از ضررهایی که به بدن و اعضا و جوارح می‌رساند، مانند تأثیریاتی که در معده و امعا و ریه و اعصاب و شراین و قلب و قوه باسره و ذائقه و... دارد که اطبا در قدیم و جدید از داخل و خارج در این موضوع کتاب‌ها نوشته‌اند و چه از ضررهای روحی و اخلاقی که بر آن مترتب می‌شود، مانند فحش و اذیت و قتل و جنایت و اعمال منافی عفت و اتلاف مال و هتک عرض و نحو این‌ها که در اثر ذهاب عقل و عروض مستی از انسان صادر می‌شود (۲۷). اصولاً برای ریشه‌کن‌ساختن یک مفسده اجتماعی و اخلاقی که محیط به طور عمیق به آن آلوده شده است، راهی بهتر از این نیست که افراد را تدریجاً آماده کنند و سپس حکم نهایی اعلام گردد (۳۳).

اجمالاً آیه شریفه به حرمت خمر به چند وجه دلالت می‌کند:

- این که شراب موجب گناه است و شخص مکلف، مأمور به اجتناب از جمیع گناهان است.
- این که اشتغال به منافع جزئی، باعث اباحه خمر نمی‌شود، به جهت وجود گناهی که اجتناب از آن لازم است.

- گناه شراب از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

- اثم و مفسده خمر بزرگ‌تر از نفع آن است، به سبب زوال

نفع و بقای اثم (۳۴).

۳-۱- آیه ۴۳ سوره نساء: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ...»؛ این آیه خطاب است به مؤمنین، در حالی که هنوز حکم قطعی شراب نازل نشده بود، یعنی در حال مستی به نماز نزدیک نشوید. انسان در حال نماز باید هوشیار باشد و چون در برابر خدا اظهار بندگی می‌کند باید بداند چه می‌گوید و مست، فاقد هوشیاری و آگاهی به مفاهیم گفتار خود است (۳۵).

۴-۱- آیه ۹۰ و ۹۱ سوره مائده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ؟ اِی کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب، قمار، بت‌ها و ازلام پلیدند و از عمل شیطان هستند، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید، شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد، آیا با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید، خودداری خواهید کرد.»

این دو آیه که آخرین آیاتی است که راجع به تحریم شراب نازل شده است از چند جهت مشتمل بر تشدید و تأکید است: - آیه با خطاب «یا ایّها الذین امنوا» شروع شده است که اشاره به این دارد که مخالفت با این حکم، با روح ایمان سازگار نیست (۲۶).

- خمر را با قمار، قرین ساخته و قمار حرام است، پس قرین وی نیز حرام است.

- آن را با بت‌پرستی در یک مسلک کشیده و آن سر همه حرام‌هاست، پس این نیز حرام است (۳۶).

- از جهت این که کلمه «إنما» در آن به کار رفته است.

- این که شراب را پلید و رجز خوانده است.

- این که آن را عمل شیطان نامیده است.

- این که مشتمل بر امر صریح است به اجتناب از آن.

- این که فرموده است در آن اجتناب، انتظار و توقع رستگاری هست.

- این که مشتمل است بر بیان مفاسدی که بر آشامیدن مترتب است (۱۸).

- فرموده که سبب دشمنی و خصومت است و هر چه در میان مسلمانان سبب عداوت شود، حرام است.

- بازدارنده است از یاد خدا و هر چه بنده را از ذکر حق باز دارد، حرام است.

- سبب منع است از نماز؛ پس بی شک حرام است (۳۶).

- این که می پرسد آیا این مقدار از بیان، مرتکبین این عمل را از عمل زشتشان باز می دارد یا نه؟ (۱۸).

برخی از مسلمانان در صدر اسلام، علی رغم تحریم شراب و قمار، باز بدان مشغول بودند که با جمله «فهل أنتم منتهون»، مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند (۲۹). معلوم است که نوشیدن شراب باعث تحریک سلسه اعصاب شده و عقل را تخدیر و عواطف عصبی را به هیجان در می آورد، این هیجان اعصاب اگر در راه خشم و غضب به کار رود، معلوم است که چه ثمرات تلخی به بار می آورد، بزرگ ترین جنایت را - حتی جنایاتی را که درندگان هم از ارتکاب آن شرم دارند - برای شخص مست تجویز می کند، لذا اگر شخص در مسیر شهوت و بهیمت قرار گیرد، معلوم است که سر به رسوایی در آورده، هر فسق و فجوری را چه درباره مال و عرض خود و چه درباره دیگران در نظرش زینت داده و او را به هتک جمیع مقدسات دینی و اجتماعی وامی دارد؛ دزدی و خیانت و دریدن پرده محارم خود و فاش کردن اسرار و ورود به خطرناک ترین ورطه های هلاکت و امثال آن را در نظرش ناچیز جلوه می دهد، چنانکه احصاییه ممالک متریقی که نوشیدن مشروبات الکلی در بینشان رواج دارد، نشان داده که درشت ترین ارقام جنایات و حوادث ناگوار و فسق و فجورهای شرم آور و ننگین در اثر نوشیدن این آب آتشین است (۱۸).

۲- علل حرمت شرب خمر از دیدگاه روایات اهل بیت (ع) و فقهای امامیه

در باب حرمت شراب و شراب خواری، احادیث بسیاری از ائمه اطهار (ع) نقل شده است، فقها نیز با توجه به روایات

وارد به صدور احکام فقهی پرداخته اند که در اینجا به برخی از آن ها اشاره می شود:

- در صحیح محمد بن موسی بن متوکل آمده است: علی بن الحسین سعدآبادی از احمد بن محمد بن خالد، از پدرش، از محمد بن سنان نقل کرده که وی گفت: از حضرت ابی الحسن علی بن موسی بن جعفر (ع) شنیدم که فرمودند: خداوند عز و جل، خمر و شراب را به خاطر چند جهت حرام فرموده: ۱- در آن فساد است؛ ۲- عقل شارب را تغییر داده و زایل می کند؛ ۳- شارب را وادار می کند که خداوند عز و جل را انکار کند؛ ۴- شارب را وادار می کند که بر خدا و انبیای او دروغ ببندد؛ ۵- فسادهای دیگری از شارب سر می زند؛ ۶- قتل و نسبت نارو دادن و مبادرت به زنا ناشی از شرب خمر می باشد؛ ۷- شرب خمر سبب می شود که شارب نسبت به اجتناب از محارم الهی بی اعتنا و کم مبالا باشد. سپس امام فرمودند: به خاطر این جهت حکم نمودیم که هر شراب و مایع مست کننده ای حرام است، زیرا عاقبتی که بر خمر مترتب است، بر این مایعات نیز مترتب می باشد، یعنی آنچه از فساد که به دنبال شرب خمر هست به دنبال شرب این مایعات نیز خواهد بود، لذا کسی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته و دوستی و ولایت ما را دارد و اساساً مودت و محبت ما خاندان پیامبر (ص) دین او می باشد، باید از شراب مسکر اجتناب و احتراز کند، چه آنکه بین ما و شراب مسکر هیچ ارتباطی نمی باشد (۳۷).

شهید اول با توجه به اهمیت سلامت عقل می گوید: «آنچه بر اثر استعمالش عقل انسان از بین می رود، بر چند قسم است: اگر همراه رفتن عقل، حواس پنج گانه نیز از بین برود، این ماده خواب آور (مرفد) است، اگر چنانچه با از بین رفتن عقل، حواس از بین نرود، بلکه نشاط و سرور در انسان ایجاد شود، این ماده سکرآور است که تحریم آن به خاطر سکرآوردن آن است» (۳۸).

فاضل مقداد نیز در این خصوص می گوید: «کسی که چیزی را که عقل را از کار می اندازد، تناول کند، دو صورت دارد: یا این که علاوه بر عقل، حواس را نیز از کار می اندازد یا نه؛ یا علاوه بر آن نشنگی، سرور و قوت نفس برای اکثر تناول

کنندگان حاصل می‌شود یا نه، اولی را مسکر و دومی را مفسد عقل گویند که علمای فعلی و قبلی بر تحریم آن اتفاق نظر دارند» (۳۹).

آیتا... بروجردی در جواب به سؤال علت حرمت شرب خمر در اسلام می‌گوید: «انسان به سبب داشتن عقل، اشرف مخلوقات شناخته شده و منظور از خلقت وی همانا پیمودن راه تکامل در خدانشناسی می‌باشد. وقتی که فضیلت انسان نسبت به حیوانات همانا به واسطه داشتن عقل و شعور است و وقتی مسلم گردید که انسان موظف است در حفظ کامل این موهبت‌های آسمانی که عقل و شعور و ادراک بشری می‌باشد، سعی کافی مبذول دارد. بنابراین هر آنچه این قوا را سست و کند، جایز نخواهد بود و مسلم است که شرب مواد خمری به هر مقدار و اندازه که باشد مشاعر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، موضوع دیگری که درخور اهمیت است آنکه خداوند تبارک و تعالی به خصوصیات طبع بشری وقوف کامل دارد و از طبع زیاده‌طلبی مخلوق خود واقف است و بدین جهت، اگر مقدار کم آن را جایز می‌شمرد، تعیین حدود آن خالی از اشکال نمی‌گردید و برای این‌که بشر از بلیه مستی که با هستی او منافات دارد نجات یابد، شرب جزء و کل آن را غدغن فرموده است» (۴۰).

- پیامبر اکرم (ص) فرمود: «خمر، ریشه زشتی‌ها و جنایات و امور پلید است» (۴۱).

در بیان فقه‌ها، یکی از مشهورترین قواعد فقهی که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات و معاملات به آن استناد می‌شود، قاعده «لاضرر» است که مستند بسیاری از مسائل فقهی محسوب می‌شود (۴۲)، حتی علامه حلی در این خصوص، معالجه و درمان با خمر را حرام می‌داند، مگر این‌که خوف تلف باشد و امید بهبودی بیماری به وسیله خمر عادتاً ممکن باشد که این نظر نیز محل اشکال است و هر مسکری حرام است (۴۳). بر این اساس، نراقی می‌گوید: «اصل در مورد اشیایی که به بدن ضرر می‌رساند، حرمت است. ملاک حرمت، مضربودن برای بدن است؛ ضرری که موجب حرمت است شامل هلاک و فساد مزاج و عقل و کم‌شدن انرژی و حصول مرض می‌باشد» (۴۴).

همچنین فقه‌ها از باب «سد ذرایع» نیز می‌توانند استعمال مسکرات را تحریم کنند. «ذرایع» به معنای وسایل است و «ذریعه» به معنای وسیله و راه رسیدن به یک چیز است، خواه آن شیء، مفسده و یا مصلحت و خواه قول و یا عمل باشد، پس هرگاه گفته شود: این چیز از باب سد ذرایع است، به این معنی است که آن چیز از باب منع وسایل منجر به فساد است (۴۵). در این خصوص، علامه دهلوی در «حجه الله البالغه»، از باب سد ذرایع تأکید می‌کند که نوشیدن اندکی از مسکر، هرچند که موجب سکر و مستی هم نشود، حرام است (۴۶).

با توجه به آنچه در روایت پیامبر (ص) آمده است، درمی‌یابیم که چرا امیرالمؤمنین علی (ع) شراب را از هر گناهی بدتر می‌داند.

- از امیرالمؤمنین علی (ع) پرسیده شد: آیا شما فرموده‌اید که شراب از دزدی و زنا بدتر است؟ فرمود: بلی، زناکننده شاید گناه دیگری نکند، لیکن شراب‌خوار چون شراب خورد، زنا می‌کند، آدم می‌کشد، نماز را ترک می‌کند (۴۷).

- محمد بن علی ماجیلویه از عمویش محمد بن ابی‌القاسم، از محمد بن علی کوفی، از عبدالرحمن بن سالم، از مفضل بن عمر نقل کرده که وی گفت: محضر امام صادق (ع) عرض کردم: برای چه خدا شراب را حرام کرده است؟ حضرت فرمودند: خداوند متعال شراب را به خاطر تأثیری که داشته و فسادی که ایجاد می‌کند، حرام فرموده است، زیرا شراب موجب پیداشدن ارتعاش در شارب آن بوده و نور و جوانمردی او را از بین برده و وادارش می‌کند که بر ارتکاب محرمات جرأت پیدا کرده و بر ریختن خون‌ها مبادرت نموده و بر مرتکب‌شدن زنا اقدام نماید و اساساً به شارب خمر، وقتی مست شد، اطمینانی نیست، بلکه بسا با محارم خود نزدیکی کند، در حالی که عقل و ادراکش به جا نیست و شرب خمر در شارب آن ایجاد نمی‌کند، مگر هر شر و بدی را (۳۷).

شهید ثانی نیز به دلیل تأثیر ناهنجار شراب بر سلامت جسم و روح می‌گوید: «هر چیزی که جنس آن مست‌کننده است»، یعنی غالباً سکرآور می‌باشد، اگرچه بعضی از مردم را به دلیل اعتیاد آن‌ها یا کم‌بودن مقداری که نوشیده‌اند یا طبیعی نبودن مزاجشان مست نکند، خوردن یک قطره از آن و بیشتر

حرام است» (۱۳). ایشان در جایی دیگر می‌گویند: «آنچه برای بدن زیان‌آور باشد، کم باشد یا زیاد، در هر صورت استعمال آن حرام می‌باشد؛ تفاوتی ندارد که این زیان به سر حد تلف برسد یا به اتلاف نینجامد، بلکه کافی است که در اخلاق و رفتار استعمال‌کننده، اثر سوئی داشته باشد» (۴۸).

۳- تطبیق حرمت مصرف مشروبات الکلی با توجه به یافته‌های علم پزشکی

با توجه به گسترش روز افزون علم پزشکی و کسب تجربیات جدید حاصل از آزمایشات فراوان، دانشمندان علم پزشکی نیز کتاب‌های متعددی درباره زیان‌های شراب‌خواری تألیف نموده‌اند که با مراجعه به آن‌ها به برخی از علل حرمت شراب پی خواهیم برد. به نظر می‌رسد کسانی که امروزه دست به مصرف مشروبات الکلی می‌زنند، اطلاعات درست و علمی دقیقی از زیان‌های مشروبات الکلی ندارند، وگرنه هیچ انسان عاقلی با علم و آگاهی کامل به خود آسیب نمی‌رساند و سلامتی خود را در معرض انواع بیماری‌ها قرار نمی‌دهد، لذا در اینجا ضرورت دارد که به بررسی زیان‌های شراب از دیدگاه علم پزشکی بپردازیم.

علم پزشکی نیز همگام با قرآن به آثار زیان‌بار مشروبات الکلی پی برده و مردم را از نوشیدن آن منع می‌کند، زیرا الکلی با سرعت شگفت‌انگیزی از طریق بافت‌های مخاطی دهان و معده و ریه جذب شده و وارد خون می‌شود، یعنی به محض رسیدن جام محتوی مشروب به دهان، الکلی جذب و سریعاً وارد جریان خون می‌شود، پس از ورود الکلی به معده با توجه به نسبت آب موجود در آن به تمام بافت‌های بدن توزیع می‌گردد (۲۴).

با عنایت به آیات، روایات، دیدگاه‌های فقهی و یافته‌های پزشکی می‌توان آثار مخرب و زیان‌بار مشروبات الکلی را به دو دسته مهم آثار جسمانی و آثار روحی روانی، تقسیم نمود:

۴- آثار جسمانی مشروبات الکلی

۴-۱- تأثیر مشروبات الکلی بر عمر: آیت‌ا... مکارم شیرازی از قول یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می‌دارد که: «هرگاه از جوانان ۲۱ تا ۲۳ ساله معتاد به مشروبات الکلی، ۵۱ نفر بمیرند در مقابل از جوان‌های غیر معتاد ۱۰ نفر هم

تلف نمی‌شوند. دانشمند مشهور دیگری ثابت کرده است که جوان‌های ۲۰ ساله که انتظار می‌رود ۵۰ سال عمر کنند، در اثر نوشیدن الکلی بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی‌کنند. بر اثر تجربیاتی که کمپانی‌های «بیمه عمر» داشته‌اند، ثابت شده است که عمر معتادان به الکلی نسبت به دیگران ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر است، آمارگیری نشان می‌دهد که حد متوسط عمر معتادان به الکلی در حدود ۳۵ الی ۵۰ سال است، در صورتی که حد متوسط عمر با رعایت نکات بهداشتی از ۶۰ سال به بالا است» (۲۶). دانشمندان آمریکایی در سال ۱۹۹۸ رسماً اعلام کرده‌اند که مصرف زیاد الکلی به طور متوسط حدود ۱۰ سال از عمر انسان می‌کاهد، ولی طی تحقیقات جدیدتر که در سال ۲۰۰۱ منتشر گردید، تداوم مصرف مشروبات الکلی، حدود ۱۵ سال از عمر انسان را کوتاه می‌کند (۴۹).

۴-۲- تأثیر مشروبات الکلی بر نسل: کسی که در حین انعقاد نطفه مست است، ۳۵٪ عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می‌کند و اگر زن و مرد، هر دو مست باشند صد در صد عوارض حاد در بچه ظاهر می‌شود. برای این‌که به اثر الکلی در فرزندان بهتر توجه شود، آماری را در اینجا می‌آوریم: کودکانی که زودتر از وقت طبیعی به دنیا آمده‌اند، پدران و مادران الکلی ۴۵٪ و از مادران الکلی ۳۱٪ و از پدران الکلی ۱۷٪ بوده‌اند. کودکانی که هنگام تولد، توانایی زندگی را ندارند، از پدران الکلی ۶٪ و از مادران الکلی ۴۵٪ و کودکانی که کوتاه‌قد بوده‌اند، از پدران و مادران الکلی ۷۵٪ و از مادران الکلی ۴۵٪ بوده‌اند؛ کودکانی که فاقد نیروی کافی عقلانی و روحی بوده‌اند، از مادران و از پدران الکلی نیز ۷۵٪ بوده‌اند (۲۶).

۴-۳- تأثیر مشروبات الکلی بر سیستم گوارشی: مفاصل الکلی را می‌توان به دو قسمت اصلی تقسیم کرد: ۱- مسمومیت الکلی حاد (مستی). مصرف مقدار زیاد الکلی، انسان را دچار گیجی و مستی می‌کند. عضوی که بیش از سایر اعضای بدن از الکلی متأثر می‌گردد، مغز است. حالت مستی موقعی بروز می‌کند که میزان الکلی موجود در خون به ۵٪ برسد؛ ۲- مسمومیت الکلی مزمن (اعتیاد) الکلیسم (۲۴). از همان ابتدای ورود الکلی

به دستگاه گوارش، تخریب و فساد را با خود به ارمغان می‌آورد، از جمله:

- خراش مخاطی دهان و حلق و آسیب‌رسیدن به پرزهای چشایی و ترک زبان.

- ظاهر شدن پلاک‌های سفیدرنگ بر روی زبان که اغلب به سرطان زبان مبدل می‌گردد.

- التهاب مری.

- استفراغ‌های شدید خونی به دلیل پاره‌شدن برخی از رگ‌ها در ناحیه اتصال مری به معده (۱). اگر مصرف مقادیر زیاد و طولانی‌مدت الکل با استفراغ شدید همراه شود، می‌تواند باعث پارگی محل اتصال مری به معده شود که به آن «مالوری ویس» می‌گویند. الکل، عامل اصلی پیدایش تشمع کبد (سیروز) در کشورهای غربی است. از عوارض آن می‌توان به آب‌آوردن شکم و ظهور زگیل‌هایی در مری و کبد اشاره کرد (۵۰).

- سرطان مری: آمار نشان می‌دهد که ۹۰٪ بیماران مبتلا به سرطان را معتادان به الکل تشکیل می‌دهند.

- التهاب حاد معده: همه معتادان به الکل بلااستثنا به التهاب حاد معده مبتلا هستند.

- التهاب مزمن و پنهان معده: اکثر الکیست‌ها گرفتار این بیماری می‌شوند. در پیدایش این بیماری، نقص پروتئین بدن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در نتیجه این بیماری، شخص به کم‌خونی ناشی از عدم جذب ویتامین B₁₂ توسط بدن مبتلا می‌گردد که این حالت خود، بیمار را برای ابتلا به سرطان معده آماده می‌سازد.

- سرطان معده: ۹۰٪ مبتلایان به سرطان معده، از معتادان به مشروبات الکی هستند که مصرف دخانیات نیز به این امر کمک می‌کند.

- زخم معده: یکی از پزشکان به نام دکتر گوردن می‌گوید: «۱۵-۱۰ درصد از علل ابتلا به زخم معده، نوشیدن مشروبات الکی است و از طرفی، الکل مانع ظاهرشدن علائم ابتلا به این بیماری است، به همین دلیل، خود بیمار ممکن است بدون متوجه‌شدن، مدت‌ها دچار خونریزی معده شود.»

- ایجاد اختلال در جذب مواد غذایی در روده‌ها به دلیل بیماربودن کبد، معده، امعا و لوزالمعده.

- الکل و لوزالمعده: زیان‌هایی که الکل به لوزالمعده می‌رساند، عبارتند از ۱- التهاب حاد غده لوزالمعده که در آن غده دچار هضم ذاتی (خودخوری) شده و سپس پاره می‌شود. به طوری که گفته شد، این بیماری خطرناکی است که بیشتر حالات دل‌دردها را نزد الکیست‌ها تشکیل می‌دهد و علت ۷۰٪ این حالات، الکل است؛ ۲- التهاب مزمن لوزالمعده که نقش به‌سزایی در سوء تغذیه، گوارش و جذب مواد غذایی دارد. - الکل و کبد: امروزه بیماری‌های کبدی ناشی از مصرف مشروبات الکی یکی از مشکلات خطرناک بهداشتی جهان به شمار می‌رود. کافی است بدانیم که نوشیدن خمر مهم‌ترین عامل پیدایش حالات تشمع کبد (سیروز) در کشورهای غربی است (۱).

۴-۴- تأثیر مشروبات الکی بر قلب و عروق: الکل،

رابطه نزدیکی با بسیاری از بیماری‌های قلبی دارد، از جمله:

- ضعف ماهیچه‌های قلب، به ویژه پس از نوشیدن آب‌جو به دلیل وجود کبالت در آن.

- نارسایی‌های قلبی مادرزادی کودکان در صورتی که مادر در ماه‌های نخست بارداری، مشروبات الکی نوشیده باشد. لازم به‌گفتن است که عده‌ای الکل را به عنوان مسکن برای سوزش قلب به کار می‌برند، غافل از این‌که نتیجه عکس حاصل می‌شود، زیرا الکل با توجه به کالری‌های حرارتی آن، باعث چاقی شده و چربی خون را در درازمدت بالا می‌برد و همین مسئله باعث تشدید درد قلب می‌گردد و فقط به صورت موقتی و به عنوان مسکن عمل می‌کند (۵۱).

۴-۵- تأثیر مشروبات الکی بر سیستم عصبی:

شراب‌خواری همچنین زیان‌هایی برای اعصاب و سلول‌های بدن دارد، لذا حرکات و گفتار و اندیشه شراب‌خوار نمایشی از نیرنگ‌های شیطانی است که سبب نفرت و ریشخند او شده و به عنوان شخصی مبتذل و فرومایه در انظار مردم شناخته می‌شود. در اجتماعاتی که شراب‌خواری شایع گردد، اقسام و انواع جنایت و بی‌عفتی و بی‌بند و باری روزافزون خواهد بود،

بلکه آثار شوم آن در نسل آنان سرایت نموده و به طور وراثت از ضعف روان و سستی اعصاب سهم خواهند داشت (۲۸).

اعتیاد به الکحل، موجب ابتلا به بیماری‌های عصبی زیر می‌گردد:

- بیماری و ایجاد اختلال در کار تعدادی از اعصاب: در این حالت، فرد دچار ضعف عضلات و لرزش اندام‌ها و درد در ناحیه دست و پاها می‌گردد.

- بیماری و ایجاد اختلال در کار یک عصب: در این حالت، اختلالاتی در مسیر فعالیت آن عصب توأم با فلج موقت حاصل می‌شود و با توجه به نوع عصب، این اختلال ممکن است به صورت فلج عصب صورت و یا عصب چشم و یا فلج ناشی از نحوه خوابیدن گردد که حالت اخیر بیشتر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته به چشم می‌خورد که در آن شخص در حال مستی به صورتی می‌خوابد که اعصاب آرنج و سر و استخوان‌های مچ دست و انگشتانش تحت فشار قرار می‌گیرند و بدین ترتیب عضلات محرک دست، فلج می‌گردد.

- التهاب عصب بینایی: اکثر کسانی که به مشروبات الکلی اعتیاد دارند، از این بیماری که توأم با کاهش قدرت دید است، رنج می‌برند. این حالت در برخی موارد نادر نیز منجر به کوری می‌شود (۱).

۴-۶- تأثیر مشروبات الکلی بر عملکرد جنسی: الکحل،

تأثیر زیادی بر روی فعالیت‌های جنسی دارد، از جمله:

- میل جنسی را افزایش می‌دهد، ولی موجب کاهش توان انجام فعالیت‌های جنسی می‌شود.

- موجب ایجاد نارسایی در رفتار جنسی زنان می‌شود.

- دگرگونی‌هایی را در نطفه به وجود می‌آورد که در نتیجه باعث تولد کودکان ناقص‌الخلقه می‌شود (۵۱).

۴-۷- مشروبات الکلی و بیماری‌های عفونی: اعتیاد به

الکحل، بدن را ضعیف و ناتوان و مقاومت آن را بسیار کم می‌کند، لذا آمادگی ابتلا به بیماری‌های عفونی به ویژه بیماری‌های عفونی مسری در این افراد خیلی زیاد است که از جمله این بیماری‌ها می‌توان سل، سیفلیس، التهاب ریه، مالاریا، تب تیفوئید، بیماری‌های پوست و التهاب غدد عرقی زیر بغل را نام برد (۱).

۴-۸- مشروبات الکلی و نارسایی‌های خونی: الکحل،

چون در خون اثر می‌بخشد به تدریج آن را فاسد کرده و عمل تغذیه اعضا مختل می‌گردد و مقدار زیادی پیه و چربی اطراف قلب را گرفته و آن را سنگین می‌کند و حجمش را زیاد و در نتیجه، حرکات قلب ضعیف می‌گردد، لذا نبض معتادین به الکحل غالباً آهسته و یا غیر منظم است و سبب غالب امراض قلبی هم همین جهت می‌باشد. الکحل، شرائین را نیز چون قلب، ضخیم کرده و مرونت و الاستیکی آن را کم می‌کند و خون را درست نمی‌تواند از قلب براند و علاوه بر این ممکن است با فشار مختصری آن رگ‌ها پاره شود (۴۰). با توجه به این که الکحل باعث کم‌اشتهایی و در نتیجه سوء تغذیه می‌گردد، عوارضی را در رابطه با خون در پی خواهد داشت، از جمله:

- کاهش آهن خون.

- کاهش اسیدکولیک در خون.

- کاهش ویتامین B_{۱۲} در خون.

- بیماری هموسدرین.

- کاهش گلبول‌های قرمز خون و در نتیجه، زردشدن پوست بدن (۵۱).

۴-۹- تأثیر مشروبات الکلی بر بارداری: مهم‌ترین

مسأله‌ای که در فرزندان زنان الکلی به چشم می‌خورد، وجود انواع معلولیت در ۳۳٪ آن‌هاست. این معلولیت‌ها ممکن است به شکل نقص در رشد، عقب‌ماندگی ذهنی، نقص خلقت ظاهری و ناراحتی‌های قلبی مادرزادی باشد (۵۲). یکی از پزشکان آلمان ثابت کرده است که تأثیر الکحل تا سه نسل به طور حتمی باقی است، به شرط این که این سه نسل الکلی نباشند (۵۳).

۴-۱۰- تأثیر مشروبات الکلی بر کلیه‌ها: نوشیدن الکحل

سبب انحراف کلیه‌ها از مجاری طبیعی خود و ایجاد حبس بول در کلیه‌ها می‌شود، هم‌چنانکه مقدار بول نیز زیاد می‌شود و زیادشدن بول، منشأ قطعی بیماری‌های گوناگون زیادی است (۵۴).

۵- آثار روحی و روانی مشروبات الکلی

مصرف مسکرات تأثیرات نامطلوب و ناخوشایندی از لحاظ روحی و روانی دارد که بارزترین پیامدهای آن افسردگی، کند

ذهنی، شک و تردید، احساس حقارت، طغیان و سرکشی است که در اینجا به برخی از آثار روحی روانی آن اشاره می‌شود:

۱-۵- زیان‌های روانی مشروبات الکلی: افرادی که مبتلا و معتاد به مشروبات مسموم الکلی هستند، سلامت نفس و صحت روح و تعادل اندیشه ندارند و در بسیاری از موارد، سرانجامی جز بی‌تفاوتی‌های محسوس و جنون سخت و حتی خودکشی یا به طور فراوان دست‌یازیدن به کشتار دیگران ندارند. گذشته از آثار بسیار وخیمی که نسبت به روان انسان می‌گذارد؛ بیماری‌های خطرناک دیگری، مانند فراموشی، سستی و ضعف حافظه، معلولیت‌های عمومی، نواقص عضوی و کمبودهای روحی و روانی است. همچنین عامل بسیاری از حوادث شوم نفسی است که در انسان‌ها و در نسل‌های متعدد این‌گونه افراد به طور محسوس مشاهده می‌شود (۵۵). بر اثر اعتیاد به مشروبات الکلی و یا ترک ناگهانی آن، عوارض روحی و ذهنی بسیاری به وجود می‌آید که از جمله مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- عقب‌ماندگی عقلی: که باعث اختلال در فعالیت‌های مغزی و ضعف ذاکره و ناتوانی در کنترل عواطف و اختلال در فعالیت‌های مغزی می‌شود.

- بیماری مغزی ورنیکه: این بیماری عوارضی دارد، از جمله فلج عضلات چشم، از دست‌دادن قدرت تفکر، گیجی و بیهوشی. - هذیان ارتعاشی: که حالتی است حاد همراه با اختلالات عقلی، رعشه، هیجان‌زدگی، و بی‌توجهی.

- نوعی جنون: که عبارت است از هذیان‌گویی، از بین رفتن قدرت تشخیص و شناخت، ضعف ذاکره (۵۰).

۲-۵- تأثیر مشروبات الکلی بر اخلاق: شوهر یا همسر الکلیک به دلیل ابتلا به مفسده شراب، شرایط نابهنجاری را در محیط خانه به وجود می‌آورد. خشونت، لاپالایی‌گری، بی‌ارادگی، فقدان عاطفه و تعصب دینی، فقر، بیکاری عدم اطاعت‌پذیری فرزندان و... از ثمرات این‌گونه خانواده‌هاست. برای نمونه، گاه ممکن است که مرد الکلیک، جهت تأمین نیاز خود دست به خیانت زده و زن یا دختر خود را در اختیار دیگری قرار دهد یا این‌که خود در حال مستی، با محارم درآمیزد یا در حال

نشنگی پرخاشگری کرده و به ضرب و شتم آنان بپردازد و یا ناخواسته مرتکب قتل شود (۵۶).

۳-۵- زیان‌های اجتماعی مشروبات الکلی: یکی از ضررهای مسکرات، مردم‌آزاری است. شخص شراب‌خوار، مردم، همسایگان، پدر و مادر، خانواده و فرزندان خود را اذیت می‌کند (۵۷). طبق آماری که «انستیتوی» پزشکی قانونی شهر «نیون» در سال ۱۹۶۱ تهیه نموده است جرائم اجتماعی الکلیست‌ها از این قرار است: مرتکبین قتل‌های عمومی ۵۰٪، ضرب و جرح‌ها در اثر نوشیدن الکل ۷۷/۸ درصد، سرقت‌های مربوط به الکلیست‌ها ۸۸/۵ درصد و جرائم جنسی مربوط به الکلی‌ها ۸۸/۸ درصد می‌باشد. این آمار نشان می‌دهد که اکثریت قاطع جنایات و جرائم بزرگ در حال مستی روی می‌دهد (۲۶).

۴-۵- زیان‌های اقتصادی مشروبات الکلی: یکی از روان‌پزشک‌های معروف می‌گوید: متأسفانه حکومت‌ها حساب منافع و عایدات مالی شراب را می‌کنند، ولی حساب بودجه‌های هنگفت دیگری را که صرف ترمیم مفساد شراب می‌شود، نکرده‌اند. اگر دولت‌ها، ازدیاد بیماری‌های روحی را در اجتماع و خسارت‌های جامعه منحنی، و اتلاف وقت‌های گران‌بها و تصادفات رانندگی در اثر مستی و فساد نسل‌های پاک و تنبلی و بی‌قیدی و بیکاری، عقب‌ماندن فرهنگ و زحمات و گرفتاری‌های پلیس و همچنین پرورشگاه‌ها، جهت سرپرستی اولاد الکلی‌ها و بیمارستان‌ها و تشکیلات دادگستری برای جنایات مجرمین الکلی در زندان‌ها و دیگر خسارت‌های ناشی از میگزاساری را یک جا حساب بکنند، خواهند دانست درآمدی که به عنوان عوارض و مالیات شراب عاید می‌گردد، در برابر خسارت نامبرده هیچ است. از آنچه گفته شد، به خوبی روشن می‌گردد که اگر در تجارت مشروبات الکلی، سودی برای بشر باشد و یا فرضاً چند لحظه بی‌خبری و فراموش کردن غم‌ها برای او سودی محسوب شود، زیان آن به درجات بیشتر، وسیع‌تر و طولانی‌تر است، به طوری که این دو با هم قابل مقایسه نیستند (۲۶).

۶- ادله مخالفین مضرات و حرمت مشروبات الکلی

- گاهی مواقع با افرادی عوام مواجه می‌شویم که با تصورات واهی خود بدون علم و آگاهی، اظهار می‌دارند که اگر مشروبات الکلی مضر است، پس چرا در کشورهای پیشرفته دنیا با وجود مصرف فراوان مشروبات الکلی، خللی در پیشرفت آن‌ها به وجود نیامده است؟ در پاسخ باید گفت کسانی که مصرف‌کننده مشروبات هستند، غالباً مردم عادی این کشورها هستند، در حالی که شیوه زندگی دانشمندان آن کشورها با مردم عادی متفاوت است و از مصرف مشروبات الکلی خودداری می‌کنند (۵۱).

- عده‌ای از مسلمانان معتقدند که شرب خمر، دارای فوایدی می‌باشد و از آیه ۲۱۹ سوره بقره - که در آن از منافع شراب گفته شده، آمده است - سخن به میان می‌آورند؛ عده‌ای به حالت آرام‌بخشی و شادی حاصل از خمر اشاره نموده و گفته‌اند: چه بسا مراد از منافع، حالت گشایش نفسانی باشد که در حالت سکر به وجود می‌آید؛ گاهی انسان در اوهام ذهنی به دور از هوشیاری و آشکاری قرار می‌گیرد و شادی بیش از حد و بازی و بیهودگی به او روی می‌آورد، به طوری که خود را از قید و بندهای اجتماعی که عقل بر او واجب گردانیده است، خارج می‌بیند و به سبب مستی از فشارهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و شبیه آن دور مانده و شراب را تنها راه حل دوری از مشکلات و واقعیات تلخ زندگی می‌داند (۵۸-۵۹)، اما باید گفت که آثار زیان‌بار شرب خمر، آنقدر شدید و زیاد است که جایی برای منفعت آن باقی نمی‌ماند.

- بعضی از پزشکان برای الکل، ارزش دارویی قائلند و آن را در دوره درمان بعضی بیماری‌ها، مانند ذات‌الریه مفید و مؤثر می‌دانند، ولی آزمایش‌ها ثابت کرده است حیواناتی که به آنان الکل می‌دهند، مقاومتشان کاسته می‌شود و از لحاظ تجربی، استعمال الکل به عنوان دارو بیشتر بر پایه تفنن و ذوق پزشک است تا این که مبتنی بر موازین علمی باشد (۵۱).

- با وجود این که در گذشته، مسیحیان از خواص شراب سخن گفته و معتقد بودند که تنها دین اسلام است که از فواید شراب چشم پوشیده و آن را بر پیروان خود حرام کرده است، اما از سال ۱۹۵۰ به بعد در اکثر تحقیقات خود

شراب‌خواری را نکوهش کرده و دستور دین اسلام را در این خصوص ستوده‌اند، حتی با وجود تحریف در اناجیل، باز هم اناجیلی وجود دارند که خوردن مسکرات در آن‌ها نهی شده است، چنانکه در اصحاح ۲۳ از امثال حضرت سلیمان (ع) آیه ۲۰ می‌نویسد: «بین شراب‌خواران مباش» و در آیه ۳۹ آمده است: «برای کیست بدبختی، برای کیست جنگ و نزاع، برای کیست اندوه و بد روزگاری... برای کیست جراحت بدن، بی‌سبب و بی‌جهت، یعنی در حال مستی خود یا دیگری را زخمی سازد، یا بکشد، یا کار زشت دیگر از او سر زند؛ تمام این حالات و مفسد برای کسانی است که به آشامیدن شراب عادت کرده‌اند» (۶۰).

- برخی افراد گمان می‌کنند که مصرف مشروبات الکلی باعث نشاط و تحرک شده و افراد را از سستی و انزوا خارج می‌کند، در صورتی که یکی از دانشمندان در این زمینه می‌گوید: این واقعیت که افراد تحت تأثیر الکل، خجالتشان از بین می‌رود و زیاد حرف می‌زنند، به علت اثر تحریکی الکل بر مغز نیست، بلکه به دلیل از بین رفتن کنترلی است که مراکز عالی مغز در میانه‌روی و اعتدال شخص از خود انجام می‌دهند (۶۱).

- گروهی معتقدند که مصرف اندک مشروبات الکلی بر سلامت انسان تأثیر نامطلوب نمی‌گذارد، در حالی که دکتر کنزلی که بر سازمان تحقیقاتی دانشکده پزشکی کارولینای جنوبی ریاست داشته است، می‌گوید: «بعضی‌ها چنین گمان کرده‌اند که اگر فقط در مجالس، به اصطلاح لبی تر کنند، گرفتار اعتیاد نمی‌شوند، یا الکل در آنان ضایعات مغزی به وجود نمی‌آورد، در حالی که تحقیقات وسیعی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که مشروبات الکلی حتی به میزان بسیار کم، سبب اختلال در کار سلول‌های مغزی می‌شود» (۵۱).

نتیجه‌گیری

۱- در نگاه دقیق و ضابطه‌ساز فقه اسلامی، حرمت برخی مأكولات و مشروبات همراه با علل و حکمت‌هایی است که علوم مختلف می‌تواند کاشف این علل و حکمت‌ها باشد. شرب خمر نیز به همین صورت، در آیات و روایات و دیدگاه‌های

فقهی به شدت مورد تحریم و نکوهش قرار گرفته است که در آیات و روایات به برخی آثار مخرب و زیان‌بار شرب خمر اشاره شده است.

۲- در بیان حکمت حرام‌شدن خمر باید گفت که در آن پلیدی و ناپاکی است و از کردار شیطان است و چون چنین است در زیر عنوان «طبیات و پاکیزه‌ها» درنمی‌آید، بنابراین هرچه را که خدا حرام کرده است، به خاطر مفسده و مضرات و خطرات آن بوده است.

۳- در قرآن کریم طی چهار مرحله به صورت گام به گام با شراب‌خواری برخورد شده است که اثرات تربیتی ارزشمندی در جامعه جاهلی گذارد و تغییر و تحول عمیقی در جامعه ایجاد کرد، چراکه شرابخواری انسان را از یاد خدا باز می‌دارد و عقل را زائل می‌کند و هرچه بنده را از ذکر حق باز دارد، حرام است. در واقع شراب‌خواری مبارزه با دستگاه توحید است که خود ریشه هر رذیله خلقی و فساد اجتماعی است.

۴- با توجه به روایت امام صادق (ع) که فرمودند: خداوند متعال شراب را به خاطر تأثیری که داشته و فسادی که ایجاد می‌کند، حرام فرموده است، زیرا شراب موجب پیداشدن ارتعاش در شارب آن بوده و نور و جوانمردی او را از بین برده و وادارش می‌کند که بر ارتکاب محرمات جرأت پیدا کرده و بر ریختن خون‌ها مبادرت نموده و بر مرتکب‌شدن زنا اقدام نماید و اساساً به شارب خمر، وقتی مست شد، اطمینانی نیست، بلکه بسا با محارم خود نزدیکی کند، در حالی که عقل و ادراکش به جا نیست، پی می‌بریم که مضرات فراوانی در شرابخواری نهفته است، لذا فقها نیز بر اساس روایات ائمه اطهار (ع) هر آنچه که عقل را زائل کند و باعث ضرر به بدن شود، حرام می‌دانند.

۵- علم پزشکی امروزه همگام با آیات و روایات، آثار مخرب بیان‌شده را تأیید می‌نماید. آثار مخرب جسمانی چون تأثیر بر اعضای مهم بدن، مانند کلیه و سیستم گوارش و حتی بر نسل‌های بعدی و آثار روحی روانی، چون کینه‌توزی، ضعف حافظه، جنون، بی‌اخلاقی و حتی تأثیر مستقیم بر عمر انسان از آثار شوم و زیان‌بار شرب خمر است، لذا دیدگاه برخی مبنی بر این‌که شرب خمر در راستای منافع می‌باشد، به کلی مردود

می‌باشد، چراکه آثار زیان‌بار شرب خمر آنقدر شدید و زیاد است که جایی برای منفعت آن باقی نمی‌ماند.

۶- گاهی مواقع افراد عوام اظهار می‌دارند که اگر مشروبات الکلی مضر است، پس چرا در کشورهای پیشرفته دنیا با وجود مصرف فراوان مشروبات الکلی، خللی در پیشرفت آن‌ها به وجود نیامده است؟ در پاسخ باید گفت شیوه زندگی دانشمندان آن کشورها با مردم عادی متفاوت است و از مصرف مشروبات الکلی خودداری می‌کنند. با وجود این‌که بعضی از پزشکان برای الکل، ارزش دارویی قائلند و آن را در دوره درمان بعضی بیماری‌ها مفید و مؤثر می‌دانند، اما از لحاظ تجربی، استعمال الکل به عنوان دارو بیشتر بر پایه تفنن و ذوق پزشک است تا این‌که مبتنی بر موازین علمی باشد. در متون فقهی و روایی شیعه نیز در این باب مطالبی از طریق راویان اخبار و پژوهندگان آثار اهل بیت رسیده که گواه این واقعیت است که خوردن شراب به نیت شفای بیماری صحیح نبوده و خداوند درمان را در شراب قرار نداده است. قال النبی (ص): «ما جعل شفاء فی محرم».

References

1. Esmaeili H. Scientific miracle of the Quran in relation to the respect of wine. *Islamic Social Studies Journal* 2016; 1(108): 137-159.
2. Mesbah Yazdi MT. Theology of the Quran. Tehran: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 1997. Vol.2 p.222.
3. Diab AH, Kargouz A. With medicine in the Koran. Damascus: Al-Quran Science Institute; 1983. p.162.
4. Ghosyan Moghaddam MH, Moradi M. Effect of alcohol consumption on human health from the perspective of Quran and modern medicine. *Quran and Medicine Magazine* 2012; 1(3): 45-53.
5. Zubaidi M. Crown of the bride jewels dictionary. Beirut: Darfalkar Printing, Publishing and Distribution; 1993. Vol.9 p.481.
6. Tarihi F. Bahrain Complex. Tehran: Mortazavi Bookstore; 1995. Vol.4 p.262.
7. Ibn Manzoor M. Lissan al-Arab. Beirut: Dar al-Fikr for its Faculty, Publishing and Distribution - Dar Sader; 1993. Vol.4 p.254.
8. Firoozabadi M. The Surrounding Dictionary. Beirut: The House of Scientific Books; 1994. Vol.2 p.23, 299.
9. Ragheb Isfahani H. Vocabulary Quranic words. Beirut: Science House; 1991. Vol.1 p.708.
10. Behbahani V. Letters of Fiqh. Qom: The founder of the renewed label Vahid Behbahani; 1999. p.79.
11. Musavi Khoi SA. Buildings completed by the curriculum. Qom: Madinah al-Alam; 1989. Vol.1 p.44.
12. Naraqi MA. Returns of days in the statement of rules of judgments and tasks halal and haram. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Islamic Seminary; 1996. Vol.1 p.57.
13. Ameli ZA. Al-Rawda al-Bahia in the explanation of the Damascus. Qom: Dawari Publishing; 1989. Vol.2 p.371; Vol.7 p.328.
14. Bahrani Y. Gardens gardens in the provisions of pure taste. Qom: The Founder of Islamic Publishing; No Data. Vol.5 p.112-115.
15. Najafi MH. Jawahar al-Kalam in explaining the principles of Islam. Beirut: Arab Heritage Revival House; 1983. Vol.6 p.5-6.
16. Hakim SM. The reason for the sturdy handle. Qom: The Grand Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi; 1983. Vol.1 p.404.
17. Haly J. What is explained in the explanation of the manual. Qom: Sayed al-Shohada Institute; 1985. Vol.1 p.424.
18. Tabatabaei SMH. The balance in the interpretation of the Koran. Tehran: Allameh Tabataba'i Scientific and Contemporary Foundation; 1991. Vol.6 p.185; Vol.12 p.415-422; Vol.2 p.274; Vol.6 p.184, 193.
19. Makarem Shirazi N. Department of Comparative Jurisprudence. Qom: Imam Ali bin Abu Talib (AS) School Publications; 2006. p.409-410, 413-416.
20. Davar Panah A. Anwar al-Arafan in interpretation of Quran. Tehran: Sadr Library; 1987. Vol.11 p.176-180.
21. Bolbolvand R. The works of the clergy and the reasons for its boycott in the Quran and narratives. *Quarterly of Islamic Sciences* 2007; 8: 175-194.
22. Shobeiri Zanjani SM. Marriage book. Qom: Voters' Research Institute; 1998. Vol.8 p.418, 2460.
23. Shahabi Khorasani M. The roles of jurisprudence. Tehran: Printing and Publishing Organization; 1996. Vol.1 p.268.
24. Dottaj F. The death of dreams. Qom: Mehr Amir Al-Muminin (AS); 2009. p.12-13, 81-82.
25. Tabriz A. Al-Bayan Complex in the interpretation of the Quran. Tehran: Farahani Publication; 2016. Vol.2 p.50; Vol.14 p.5-8.
26. Makarem Shirazi N. Sample Interpretation. Tehran: Islamic Library; 2004. Vol.11 p.290; Vol.5 p.72; Vol.2 p. 124-126.
27. Tayyeb AH. A good explanation in the interpretation of the Koran. Tehran: Islam Publishing; 1999. Vol.8 p.151; Vol.2 p.427.
28. Hosseini Hamedani MH. Shining glow. Tehran: Lotfi Bookstore; 1983. Vol.5 p.130-131, 138; Vol.9 p.483.
29. Qareati M. The interpretation of light. Qom: Publication of the Cultural Center Lessons from the Quran; 2000. Vol.1 p.345; Vol.3 p.161.
30. Soirei Heli M. Cains al-Furan Fiqq al-Quran. Qom: Qods Passage No.111; 1982. Vol.2 p.807.
31. Hojjati MB. Reasons to get off. Tehran: Islamic Culture Publishing Office; 1998. p.87.
32. Jorjani AF. Sentences of Judgments. Tehran: Navid Publishing; 1983. Vol.2 p.533.
33. Bistouni M. Young commentary. Mashhad: Astan Quds Razavi Publishing House; 2009. p.682.

34. Hosseini Jorjani SAA. Interpretation of the kingdom. Tehran: Navid Publication; 1983. Vol.2 p.532.
35. Bahrapour A. The breeze of life. Qom: Hejrat Publishing House; 2002. Vol.5 p.56.
36. Kashani MF. Explanation of the sincere approach to the obligation of the violators. Tehran: Bookstore Mohammad Hassan Alami; 1987. Vol.3 p.302; Vol.2 p.215.
37. Saduq M. Causes of Islam. Najaf: Al-Muqab al-Haidiriyah; 2004. Vol.2 p.475, 552.
38. Maki Ameli M. Rules and benefits. Qom: Mofid Bookstore; No Data. Vol.2 p.73-75.
39. Soirei Heli M. Principles of jurisprudence. Qom: Maktabe al-Siad al-Marashi; 1982. p.115.
40. Hashemi Nejad SAK. Alcohol troubles. *Quarterly Journal of Islam* 1979; 6: 19-34.
41. Noori Tabari H. As a facilitator. Tehran: Ismaili Foundation; No Data. Vol.1 p.39.
42. Mohaqiq Damad SM. The rules of jurisprudence. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 1985. p.131.
43. Allameh Hali H. Mentoring minds. Qom: Islamic Propaganda Office of Qom Islamic Seminary; 1988. p.59.
44. Naraqī MA. The Shi'a Document in Sharia Law. Mashhad: Al-Alibit (AS) Institute; 1984. Vol.2 p.396.
45. Zidan A. Al-Wajiz in the fundamentals of jurisprudence. Tehran: Ihsan; 2006. p.245.
46. Dehlavi A. The argument of God adults. Beirut: Dar al-Jalil; 2005. Vol.2 p.291.
47. Kellini M. Kafi. Qom: Publishing House of Culture of Ahlul-Bayt (AS); 1986. Vol.6 p.403.
48. Ameli ZA. Masalk al-Afham to the revision of the Islamic principles. Qom: Encyclopedia of Islam; 2002. Vol.2 p.196.
49. Akbari AA. The effects of alcohol in the view of medical knowledge and Western scientists. Qom: Institute for Cultural and Information Affairs; 2014. p.42.
50. Rezaei Isfahani MA. A Survey on the Quran's Science Awakening. Qom: Mobin book publishing; 2002. p.336-346.
51. Daryaei M. Liquor, gambling and its harmful effects. Tehran: Green Olive; 2010. p.25, 62-64, 77, 117.
52. Cheraghi A. Medicine in the Quran. Tehran: Hafazi Publishing; No Data. p.149-156.
53. Amin Shirazi A. Islam is a doctor without medication. Tehran: Islamic Printing Office; 1994. p.40.
54. Hosseini M. Islamic view of alcohol. *Jafari Quarterly Journal* No Data; Special: 138-154.
55. Nekounam MR. The Philosophy of Drinking. *Correspondence & Thought Quarterly* 2011; 38: 163-168.
56. Noori Shadkam M. Quran and modern medicine. Tehran: Islamic Library; 1999. p.92.
57. Ehtemam A. The philosophy of the commandments. Isfahan: Islamic Printing House; 1955. p.159.
58. Fazlullah MH. From the Koran. Beirut: Dar Malak; 1998. Vol.4 p.221.
59. Taleghani SM. Ray of the Quran. Tehran: Public Joint Stock Company; 1983. Vol.2 p.125.
60. Tabatabaee Hosseini SN. Copyrights in Islamic jurisprudence and law. Tehran: Sakhornan; 2015. p.54.
61. Behzad M, Farrokh Siri M. Fundamentals of Pharmacology. Tehran: Zoghi Research Publishing Institute; 1990. p.65.